

بسم الله الرحمن الرحيم

فرهنگ انتظار

انتظار در مکتب تشیع یک حالت انسانی است که انسان به خاطر وجود آن، ضمن پیراستن وجود خویش از بدیها و آراستن آن به خوبیها، در ارتباط مستمر با امام و حجت زمان خویش، همه همت خود را صرف زمینه سازی ظهور مصلح آخرالزمان میکند و در جهت تحقق وعده الهی نسبت به برپایی دولت کریمه اهل بیت - علیهم السلام - با تمام وجود تلاش می‌کند.^۱

طبق این تعریف انتظار فرج عاملی مهم در جهت خودسازی فردی، اصلاح جامعه و کاهش جرائم و مفسد خواهد بود. بی تردید انتظار ظهور امام زمان - علیه السلام - در تمام ابعاد شخصیت انسان، اعم از فردی و اجتماعی مؤثر است و همه مناسبات وی را فرا می‌گیرد. و بالاترین کوشش و جهاد همه جانبه او در راه خداست.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمود: «أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛^۲ با فضیلت‌ترین جهاد امت من انتظار فرج است. و پیشوایان معصوم - علیهم السلام - اجر بسیاری برای منتظران بیان کرده‌اند؛ چنان که امام صادق - علیه السلام - فرمود:

«مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئاً لَكُمْ أَيَّتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْخُومَةُ؛^۳ کسی که دوست دارد از اصحاب و یاران حضرت قائم - علیه السلام - باشد، باید منتظر ظهور باشد و به پاکدامنی و نیک خلقی خود را بیاراید، در حالی که پیوسته به انتظار [قدوم حضرت قائم - علیه السلام -] نشسته است. پس اگر [با این اوصاف] از دنیا برود و حضرت قائم - علیه السلام - بعد از او قیام کند، پاداش او همانند فردی است که امام قائم را درک کرده است. ای گروهی که مورد رحمت خدا قرار گرفته‌اید! کوشش کنید و انتظار بکشید [که این مقام والای انتظار] بر شما گوارا باد»!

امام صادق - علیه السلام - در روایت دیگری به یکی از پیروانش دستور داد که «وَ اَنْتَظِرِ الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً؛ ۴ شب و روز منتظر فرج باش.»

در هر صورت، انتظار، آماده باش کامل، خودسازی و تصفیه روح و جان و اصلاح دیگران است. انتظار روزنه امیدی است که در حساس‌ترین و بحرانی‌ترین لحظات زندگی انسان - که از همه جا مایوس می‌شود - تنها عامل نجات و امید بخش اوست. در این فرصت به مناسبت نیمه شعبان، سالروز تولد یگانه منجی عالم بشریت و امید منتظران عالم، حضرت مهدی - علیه السلام - نقش انتظار را در اصلاح جامعه و تربیت افراد به نظاره می‌نشینیم و نکاتی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. معیار ارزش انسانها

آرزوها و آمال انسانها معیار خوبی برای سنجش میزان رشد، کمال و تعالی آنهاست؛ تا آنجا که گفته شده «بگو چه آرزویی داری، تا بگویم کیستی.» آرزوهای بلند، متعالی و ارزشمند از کمال روح و رشد شخصیت انسانها و بلندای همت آنها حکایت می‌کند و به عکس، آرزوهای پست، حقیر و بی‌ارزش، نشان از بی‌همتی و رشد نیافتگی افراد دارد. علی - علیه السلام - در این زمینه فرمود: «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ؛ ۵ ارزش مرد به اندازه همت اوست.»

بنابراین، انسان منتظر فرج آل محمد - علیهم السلام - که برترین و ارزشمندترین آمال و آرزوهای ممکن را داراست، به طور طبیعی از بهترین و والاترین ارزشها نیز برخوردار است. انسانی که آرزوی نهایی او حاکمیت دین خدا و معارف اهل بیت - علیهم السلام - بر سرتاسر گیتی است و همواره استقرار حکومت صالحان و مستضعفان و کوتاه شدن دست ظالمان، مستکبران و برچیده شدن فساد و فحشاء و بی‌بند و باری و برقراری قسط و عدل و مساوات را بر پهنای کره زمین خواستار می‌باشد، ۶ هیچ‌گاه به سوی مفساد و گناهان نخواهد رفت و انتظارات و آرزوهای وی مانع از تمایل او به سوی بدیها و زشتیها خواهد بود. و انتظار، عامل مهمی در اصلاح و خودسازی انسان و در ارج نهادن به شخصیت اوست.

مراقب دیدن امام علیه السلام

شخص منتظر که به وجود امام حیّ و زنده کاملاً اعتقاد دارد، همواره خود را در منظر امام زمان - علیه السلام - می بیند و احساس می کند که حضرت مراقب اوست که اعمال و رفتارش را چه خوب و چه بد می بیند. از اعمال خوب او امام خوشحال می شود و کارهای ناروای او دل حضرت را به درد می آورد.

وقتی این اعتقاد در او قوی باشد و خود را در محضر امام زمان - علیه السلام - احساس کند، دیگر دست به فساد و گناه نمی آید و از آن وجود گرایی که ناظر و مراقب اعمال اوست، شرم و حیا می کند. آری، منتظر راستین امام زمان - علیه السلام - این آیه را نصب العین خود قرار می دهد که *اعْمَلُوا فَنَسِيرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ*؛ ۷ «هر عملی می خواهید، انجام دهید. خداوند و فرستاده او و مؤمنان اعمال شما را می بینند.»

نظارت امام بر اعمال شیعیان

دو نفر از مؤمنین با هم قرار گذاشته بودند که طبق حدیث شریف نبوی که فرموده است: «الْمُؤْمِنُ مَرَأَةُ الْمُؤْمِنِ»؛ ۸ مؤمن آینه مؤمن است.»، عیبهای همدیگر را متذکر شوند و اصلاح کنند. آنان با استمداد از فضل الهی و عنایات حضرت حجت - علیه السلام - متعهد شدند که در هر هفته یک جلسه بگذارند و هر کدام یک عیب دیگری را بدون کمترین اهانتی بازگو کند و صاحب آن عیب تا هفته آینده مشکل اخلاقی خود را برطرف سازد.

این برنامه ادامه داشت تا اینکه بعد از مدتی یکی از این دو در ضمن رؤیای صادقه ای رفیقش را در خواب دید که با هم می روند و درباره یک موضوع صحبت می کنند. اما رفیق او که در سمت چپ حرکت می کند، اصلاً به او پاسخی نمی دهد و حواس او به سه زن بی حجابی است که از رو به رو می آیند. این شخص متدین خیلی ناراحت شد که چرا رفیق من در مقابل زنان نامحرم این گونه از خود بی خود شده است! در همان حال، در سمت راست خود فردی را در هاله ای از نور مشاهده کرد که به آنان نظاره می کرد. در چند قدمی او جوان خوش سیمایی ایستاده بود که گاهی به آن شخص نورانی و گاهی نیز به آن فرد معصیت کار می نگرست.

او از جوان پرسید: این آقای نورانی کیست؟

جوان پاسخ داد: این شخص وجود مقدس امام زمان - علیه السلام - است که مراقب شما دو نفر می‌باشد و کارهای شما را زیر نظر دارد.

تا شنید که این آقا امام زمان - علیه السلام - است، سریعاً به سوی آن حضرت گام برداشت و نزدیک آقا رفت. ناگاه از خواب بیدار شد.

فردای آن روز به سراغ رفیقش رفت و وقتی خواب خود را نقل کرد، آن شخص شدیداً گریه کرد و با حالت تأثر گفت: آری، این بیماری در من وجود دارد که در مقابل زنان نامحرم نمی‌توانم خودداری کنم و به آنان نگاه نکنم. خواب شما از رؤیاهای صادقانه است و مرا شدیداً تحت تأثیر قرار داد. از امروز تصمیم می‌گیرم دیگر مرتکب گناه نشوم و رضایت آقایم امام زمان - علیه السلام - را با دوری از این گناه جلب کنم. تا به امروز اعتقاد به نظارت حضرت داشتم، اما حالا یقین پیدا کردم که آن بزرگوار رفتار و نگاهم را می‌بیند و کنترل می‌کند.

او بعد از توبه و تصمیم قطعی به اجتناب از این گناه، به مراحل عالی‌ای دست یافت و در اثر توسل به وجود حضرت ولی عصر - علیه السلام - و عنایات آن گرامی، دیگر گناه برایش لذت بخش نبود. خود او می‌گوید: روز بعد از این که توبه راستین کردم، وارد خیابان شدم. قبل از اولین برخورد با زنان بی‌بند و بار، به خود گفتم: «فلانی! امام زمانت تو را می‌بیند و مراقب تو هست.» و مرتب همین جمله را به زبان می‌گفتم و باور قطعی داشتم که آقا و مولایم مرا می‌بیند. چنان این تلقین در من اثر گذاشت که وقتی به زنان بی‌حجاب می‌رسیدم، مثل این بود که از کنار مرکز زباله‌ای متعفن رد می‌شوم و بوی تعفن آن به مشام می‌رسد که باید از کنارش به سرعت رد شوم، در حالی که روزهای قبل احساس لذتهای شیطانی می‌کردم.

تجربه نشان داده که تقویت این روحیه در تصفیه روح و تزکیه نفس بسیار مؤثر است. طبق نقل آیت الله زنجانی در «الکلام یجر الکلام» امام زمان - علیه السلام - این جمله را برای نجات از مفساد و گناهان و هر مشکل و گرفتاری دیگر به یک عالم رشتی در تخت فولاد اصفهان آموخته است که: «یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ یا فاطِمَةُ یا صاحبَ الزَّمانِ أَدْرِكْنِي و لا تُهْلِكْنِي.» ۹

تأثیر دعاهای دوران غیبت

هنگامی که یک منتظر حقیقت جو به عنوان یک وظیفه الهی و انسانی دعاهای دوران غیبت را می‌خواند و عبارات تعالی بخش آنها را از عمق جان زمزمه می‌کند، با دریایی از معارف به ویژه در عرصه امامت و جایگاه والای آن در باورهای شیعی رو به رو می‌شود و هر اندازه در متن این میراث گرانبهای اهل بیت - علیهم السلام - دقت و تدبر می‌کند، معرفت و شناخت او نسبت به ارزشهای والای دینی بیشتر می‌شود و شناخت وسیع‌تر و عمیق‌تر، محبت و ایمان قلبی را در وجود او ثابت‌تر می‌گرداند.

به این ترتیب، علاوه بر اینکه آگاهی و معرفت منتظر امام عصر - علیه السلام - افزایش می‌یابد، درصد ایمان و اعتقاداتش نیز بیشتر می‌شود. اینجاست که دیگر هیچ نیروی شیطانی نمی‌تواند منتظر راستین را از جاده حقیقت جدا کند و او در برابر آسیبها، آفات و هجمه‌های اعتقادی و فرهنگی کاملاً بیمه می‌شود و باورهایش به دژی تسخیرناپذیر تبدیل می‌گردد.

در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از آموزه‌های دینی و باورهای عمیق شیعی در متن دعاهای مهدویت می‌پردازیم.

۱. در دعایی که از وجود مقدس امام زمان - علیه السلام - به ما رسیده است و با جمله «اللَّهُمَّ ارزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ» ۱۰ آغاز می‌شود، ناهنجاریهای اجتماعی، مفاسد، زشتیها و امور ناپسند دیگر، به شخص منتظر گوشزد می‌گردد و او ضمن مناجات و استمداد از خداوند متعال، امور پسندیده و ناپسند را نیز همراه دعا می‌آموزد و برای عمل با شناخت آمادگی پیدا می‌کند.

توفیق اطاعت، صداقت در نیت، شناخت حرامها، تکریم به وسیله هدایت و استقامت، سخن گفتن با معیارهای درست و حکمت‌آمیز، درخواست علم و معرفت حقیقی، دور بودن از لقمه‌های حرام و شبهه‌ناک، خویشتن داری از ستم و دزدی و گناهان دیگر، چشم پوشی از حرام و نگاههای خیانت آلود، فاصله گرفتن از کارهای لغو و غیبت، از جمله آموزه‌هایی است که منتظران حقیقی آن حضرت پیوسته آنها را زمزمه می‌کنند و آویزه گوش خود قرار می‌دهند.

آنان با عشق به وجود حضرت مهدی - علیه السلام - این دعای آن حضرت را زمزمه می‌کنند و به یاد آن گرامی، معارف آن را با تمام وجود می‌پذیرند. و این گونه است که انتظار ظهور مهدی موعود - علیه السلام - انسان ساز و معرفت آفرین می‌شود.

در ادامه این دعای مهدوی - علیه السلام - منتظران حضرت، از خداوند متعال مشتاقانه می‌خواهند که: بر عالمان و دانشمندان، زهد و ساده زیستی و نصیحت پذیری و بر دانش‌آموزان و دانش‌جویان و طلاب تلاش و فعالیت و اشتیاق به تحصیل را عنایت فرما!

و همین طور دعای امام زمان - علیه السلام - برای تعلیم منتظران دانش دوست و معرفت طلب دهها آموزه جانبخش و راهگشای دیگر در بردارد. ۱۱

۲. در دعای افتتاح - که حضرت صاحب الامر - علیه السلام - خود برای شیعیان نوشته‌اند تا در شبهای ماه رمضان بخوانند - نکات مهمی برای آموزش منتظران و تقویت قلوب آنان بیان شده است.

آنجا که بعد از توحید و توصیف صفات جمال و جلال الهی و حمد و ستایش خدای منان و تعظیم و تمجید پروردگار عالمیان و تبیین مقام بندگان به معرفی رهبران معصوم الهی می‌پردازد و موقعیت حضرت مهدی - علیه السلام - را کاملاً در ذهن خواننده ترسیم می‌کند تا به برکات وجود آن گرامی می‌رسد و می‌گوید: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ؛ ۱۲ خداوندا! ما مشتاق دولت کریمه [امام زمان - علیه السلام -] هستیم که در سایه آن اسلام و مسلمانان را عزت دهی و جبهه نفاق و اهل آن را ذلیل و خوار گردانی و...». منتظر امید وار در ادامه به آرزوها و آمال شرعی و عقلی خود که در زمان ظهور خواهد رسید، اشاره کرده و می‌گوید: «اللَّهُمَّ الْمُمُّ بِهٍ شَعْنَنَا وَ اشْعَبُ بِهٍ صَدَعْنَا وَ ارْتُقُ بِهٍ فَتَقْنَا وَ كَثُرُ بِهٍ قِلَّتْنَا وَ اعِزُّ بِهٍ ذِلَّتْنَا؛ ۱۳ پروردگارا! پراکندگی و تفرق ما را به وسیله آن گرامی به جمعیت و وحدت بدل فرما! و پریشانی امور ما را به وجودش اصلاح فرما! و نقائص و شکافهای کار ما را به وسیله وجود آن ذخیره الهی اصلاح و جبران نما! و تعداد ما را فراوان و خواری و کوچکی ما را با وجودش به عزت و شکوه بدل ساز!»

منتظری که بعد از نمازهای یومیه در ماه رمضان دعای «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورِ» ۱۴ را می‌خواند که در آن تمام آرزوهای بشری در سایه دولت حقه مهدوی خواسته می‌شود؛ دولتی که در پناه آن، تمام گرسنگان سیر، برهنگان پوشیده، بدهکاریها ادا، گرفتاران رها، و در یک کلام تمام امور مسلمانان اصلاح و مشکلاتشان رفع می‌گردد و در پرتو حکومت عادلانه مهدی - علیه السلام - جهان روی آسایش و امنیت و راحتی را به خود خواهد دید، آیا چنین کسی می‌تواند خودسازی نکند و خود را برای عرضه به محضر چنین رهبر والایی آماده نگرداند. و در هر گامی که به پیش برمی‌دارد، سمت و سوی اهداف دولت مهدوی - علیه السلام - را قصد نکند؟

به راستی کسی که در مقام انتظار آن گرامی است تا مرز شهادت پیش می‌رود و از اعماق وجودش دعا می‌کند که «وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ وَفَاتِي قِتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ أَوْلِيَائِكَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَقْتُلَ بِي أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ؛ ۱۵ خدایا! از تو می‌خواهم که وفات مرا شهادت در راه خودت و تحت پرچم پیامبرت در کنار اولیایت قرار دهی! و از تو تقاضا مندم که به دست من دشمنان خود و دشمنان رسالت را هلاک کنی!»

و بالاخره دعاهاى مهدویت همانند ندبه، عهد، فرج، دعای غیبت، دعای نور، توسل و دهها دعا و زیارت دیگر با آن مضامین عالی و آموزنده، شخص منتظر را پیوسته به آگاهی و عشق ترغیب می‌کند و به سوی اهداف امام زمان - علیه السلام - نزدیک می‌گرداند.

خوش بینی به آینده بشریت

انسان منتظر به آینده‌ای درخشان امیدوار و خوش بین است. هر قدر در دنیا مفسد بیشتر شود و دنیای به اصطلاح متمدن، جهان بشریت را به سوی توحش و بربریت پیش ببرد و از کارهای عقلانی و منطقی فاصله بگیرند و خشم و شهوت را بر عقل چیره سازد، باز موضوع انتظار نقطه امیدی است که بعد از این همه جهل و غفلت و نادانی و ظلمت و یأس و نگرانی، فروغی روشنی بخش را نوید می‌دهد که در آینده نه چندان دور جهان به نور کمال و معنویت روشن خواهد شد.

انسان در پس پرده‌های متعدد فریب و مکر و خدعه به فطرت خود توجه دارد. او در حال عادی که به خود می‌آید، از ظلم و فساد و بی‌بند و باری متنفر است. هنگامی که سخن از انتظاری نوید بخش و امید آفرین مطرح می‌گردد، انسان خسته از این همه ظلم و ستم و دروغ و مکر و ریا، با

خود زمزمه می‌کند که آیا می‌شود چنین روزی برسد که این همه مشکلات حل گردد و با خود نجوا می‌کند:

سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی

دل ز تنهایی به جان آمد خدایا همدمی

آن گاه آیات وحی به او مژده می‌دهد که بلی: [وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ]؛ ۱۶ «در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام [درآینده] وارث حکومت زمین خواهند شد.»

این خوش بینی بر گرفته از کلام وحی، انسانهای منتظر را به خودسازی و حرکت به سوی کمال معنوی و فرهنگی سوق می‌دهد.

انتظار و رهایی از جهل و غفلت

انسان منتظر با امیدواری خود به ظهور امام عصر - علیه السلام - خود را از قید و بندهای جهل و غفلت رها می‌سازد و به برترین جایگاه فضیلت و زیبایی دست می‌یابد. امام سجاد - علیه السلام - در توضیح مقام منتظران به ابوخالد کابلی فرمود: «غیبت دوازدهمین وصی رسول خدا - صلی الله علیه و آله - طولانی خواهد شد. ای اباخالد! به راستی که اهل زمان غیبت او - که به امامت ایشان اعتقاد دارند و منتظر ظهور آن گرامی می‌باشند - برترین انسانهای اهل هر زمان هستند؛ چرا که خداوند تبارک و تعالی چنان به آنان عقل و اندیشه و معرفت عنایت کرده است که مسئله غیبت را همانند حضور مشاهده و درک می‌کنند. خداوند متعال آنان را در آن زمان به منزله کسی قرار داده است که در حضور رسول خدا - صلی الله علیه و آله - با شمشیر جنگیده‌اند.»

سپس امام چهارم - علیه السلام - منتظران را این گونه ستودند: «اولئِكَ الْمُخْلَصُونَ حَقًّا وَ شِيعَتُنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا»؛ [۱۷] «آنان حقیقتاً انسانهایی خالص شده و شیعیان راستین ما هستند که مردم را آشکار و نهان به سوی دین خداوند دعوت می‌کنند.»

۱ برترینهای فرهنگ مهدویت، ص ۸۶.

۲ بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۴۳، ح ۲۶.

۳ همان، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

۴ الغیبه، نعمانی، ص ۱۵۸، ح ۳.

۵ نهج البلاغه، حکمت ۴۷.

۶ برترینهای فرهنگ مهدویت، ص ۶۹.

۷ توبه / ۱۵۰.

۸ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۶۸.

۹ شیفتگان حضرت مهدی، ص ۸۹.

۱۰ البلد الامین، ص ۳۴۹.

۱۱ همان.

۱۲ مصباح المتهدجد، ص ۵۸۰؛ صحیفه مهدیه، ص ۲۵۹.

۱۳ همان.

۱۴ البلد الامین، ص ۲۲۲.

۱۵ الکافی، ج ۴، ص ۷۴، ح ۶.

۱۶ انبیاء / ۱۵۰.

۱۷ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۲.